بسم‌الله الرحمن الرحیم

[استدلال به آیه نفر 2](#_Toc434258942)

[اطلاق در آیه شریفه 2](#_Toc434258943)

[تنقیح بحث 2](#_Toc434258944)

[قرائن در این مقام 2](#_Toc434258945)

[استدراک از بحث 2](#_Toc434258946)

[طریقه دوم در این مقام 2](#_Toc434258947)

[جمع بندی 2](#_Toc434258948)

[تعدد ظهورات در آیات و روایات 3](#_Toc434258949)

[مناقشه در استدلال اخیر 3](#_Toc434258950)

[اجوبه بحث 3](#_Toc434258951)

[جواب اول 3](#_Toc434258952)

[جواب دوم 4](#_Toc434258953)

[مقدمات استدلال فوق 4](#_Toc434258954)

[جواب سوم 4](#_Toc434258955)

[اشکال دوم در دلالت آیه نفر 4](#_Toc434258956)

[تشریح اشکال 5](#_Toc434258957)

[پاسخ اشکال فوق 5](#_Toc434258958)

# استدلال به آیه نفر

# اطلاق در آیه شریفه

# تنقیح بحث

عرض شد در دلالت آیه نفر اشکالی مطرح شده بود که حذر در اینجا نمی‌تواند نسبت به شک یا ظن در واقع نیز تسری پیدا کند که دور محذور دور یا تمسک به عام در شبهه مصداقیه را رقم می زند. چندین جواب در این مورد بیان شد. اما نکته آخر این است که ما باید به مقدماتی توجه داشته باشیم؛ یک مقدمه اینکه شمول حذر در اینجا، شمول روشن و واضحی است که دارای قرائن ویژه است. و به صرف در مقام بودن اکتفاء نمی‌شود.

به سادگی نمی‌شود از این قرائن خاصه گذاشت و شمول آیه را منحصر به مورد علم دانست. دوم اینکه اگر آیه بخواهد حکم تکلیفی را افاده کند و موضوع حذر و تحذر نیز واقع اثبات شده باشد با دو مانع بیان شده مواجه خواهد بود.

# قرائن در این مقام

به نظر می اید این دو مقدمه را باید مبنای داوری در اینجا قرار داد. پس از ان باید برای حفظ قرینه اول که لفظیه و مورد دیگر که عقلیه بود باید یکی از دو راه را طی شود؛ یک راه کلام شهید صدر است که حذر در اینجا حکمی کنایی یا به داعی وجعل حجیت است، لذا حذر حکم تکلیفی طریقی نیست. هرچند بین این دو احتمال فرق دقیقی بود که در اینجا مد نظر نیست.

# استدراک از بحث

اما گفتیم که خلاف ظهور در این حمل وجود دارد ولی دست برداشتن در این ظهور یا اخف از رها کردن یک از آن دو مقدمه باشد.

# طریقه دوم در این مقام

راه دومی که وجود دارد، این است که ظهور حذر در امر و اصلیت بعث در داعی حقیقی را بپذیریم.

# جمع بندی

بنابر این در اینجا چند ظهور را با هم نمی‌توان اخذ کرد؛

یک ظهور این است که آیه اطلاق دارد. ظهور دیگر این است که ظاهر آیه حذر از حکم واقعی است. ظهور دیگر تکلیفی بودن حکم و بحث عقلی است که نمی‌شود در اینجا دور و تسلسل باشد، در اینجا ما می‌گوییم از یکی از دو ظهور دوم و سوم باید دست برداشت. اما ظهورات اول و چهارم باید اخذ شوند.

# تعدد ظهورات در آیات و روایات

در حقیقت باید این‌گونه نگاهی در آیات و روایات پیدا کرد که دارای قدرت فهم آن‌ها باشید. چراکه ممکن است در یک آیه چندین ظهور حاصل شود. در اینجا یک اشکال باقی می‌ماند که ترجیح ما این است ظاهر امر در بعث را بپذیریم و تصرف ما در متعلق است که ما انذر گرفته شود، مئونه این طریق در مقایسه با راه شهید صدر کمتر است، من به شهید صدر علاقه خاصی دارم به خاطر عظمت ایشان در کنار قدرت علمی که داشتند.

ایشان در پیامی که در جواب نامه امام بود می‌فرمایند در گوشه‌ای محصور هستم و ارزش ما به این است که چقدر خود را وقف اسلام کنیم و شما وجود خود را در این راه وقف نمودید لذا از ارزش بالاتری برخوردار هستید.

# مناقشه در استدلال اخیر

اما مناقشه این است که وجوب تحذر ازآنچه انذار به آن شده و مفتی به آن فتوا داده که لب مفاد آیه است، ممکن است کسی بگوید این حجیت لازم اعم آیه است؛ احتمال جعل حجیت و جعل احتیاط.

## اجوبه بحث

اما این استدلال جواب دارد؛

## جواب اول

جواب اول این است که دو احتمال صحیح است اما مورد صحیح جعل حجیت است. شاهد آن نیز این است که جعل احتیاط به دست ما به دقتی پدید آمده است.

## جواب دوم

ثانیاً این آیه ولو اینکه ابتداءً ظهورش در فتوای فقیه است و فتوای در احکام الزامی است که به دنبالان عقاب می‌آید و این جایگاه بااحتیاط سازگار است، ولی ما مطمئنیم که این آیه همان‌طور که به فتوا می‌خواهد در بیان اثبات احکام الزامی اعتبار بخشد، به‌طریق‌اولی و یا تنقیح مناط موارد رفع حکم را می‌گیرد.

ازآنجاکه فقیهی می‌گوید در اینجا حکمی نیست. اگر این را پذیرفتیم که آیه موارد اثبات و رفع حکم را دربر می‌گیرد، قرینه‌ای در اینجا پیدا می‌شود که آن کلام را موردتوجه قرار دهید و جاهایی را دربر می‌گیرد که احتیاط نیست.

## مقدمات استدلال فوق

اما این جواب مبتنی بر این مقدمه است که تسری به غیر واجب و حرام موردقبول واقع شود. در این صورت این قرینه می‌شود که او نمی‌خواهد احتیاط را بگوید بلکه می‌خواهد حکم طریقی‌ای را قرار دهد.

## جواب سوم

جواب سوم این است که باوجود احتیاط مانعی به وجود نخواهد آمد چراکه از احتیاط به‌نوعی حجیت استخراج می‌شود. در باب جعل حجیت مسالک و نظریات مختلفی وجود دارد و ممکن است بگوییم که یکی از تئوری‌های حجیت، احتیاط در دائره محدود است.

## اشکال دوم در دلالت آیه نفر

اشکال دوم در دلالت آیه بر حجیت فتوا این است که در ظاهراً در کلمات شیخ است. و آن اینکه در ذیل این آیه روایاتی که در نور الثقلین، کافی و بحار واردشده، این آیه بر مسأله امامت تطبیق داده‌شده است که امامی به شهادت می‌رسد و مردم در بقاع مختلف از این امر مطلع می‌شوند، آن‌ها برای امام بعد باید راهی را بیابند.

آیه در این قبال فرموده که یک گروهی از این شهر یا روستا موظف‌اند به مکان شهادت امام بروند و تحقیق کنند که جانشین ایشان کیست تا برگردند و به بقیه اطلاع دهند.

## تشریح اشکال

این روایت شاهدی بر این است که دین در اینجا عقاید را نیز دربر می‌گیرد. با توجه به این مقدمه این‌گونه اشکال شده است که در بحث امامت نمی‌توان به ظن اکتفاء کرد، بلکه در آنجا قطع و اطمینان لازم است. اگر آیه شمول و اطلاق داشته باشد، این اطلاق باید در مسائل اعتقادی نیز باشد چراکه دین اطلاق داشت. لذا این اطلاق دارای اشکال است.

## پاسخ اشکال فوق

جواب این اشکال واضح است که اگر ما باشیم و آیه، می‌گوییم آیه همان را می‌گوید ولی این اشکال ندارد که بگوییم در اعتقادات ادله‌ای وجود دارد که قطع لازم است. منتها در بخش امامت دلیل بر لزوم علم‌داریم ولی این بدان معنی نیست که در سایر موارد نیز باید علم باشد.

این جواب دارای اشکالی است که ان شاء الله فردا بیان می‌کنیم.